

تکلیف: از روی کطعانی که زیر آنها خط کشیده شده است، (در پایان دفتر دیکته) دوبار بنویسید.

درس اول

تماشاخانه



جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، سرشار از شگفتی‌ها است. پدیده‌هایی لطیف، زیبا و عجیب، پیش روی ما هستند که به سادگی از کنارشان می‌گذریم؛ در حالی که اگر اندکی درنگ کنیم، می‌بینیم که هر کدام از این پدیده‌ها تماشاگی برای دیدن زیبایی‌های آفرینش و ایستگاه‌هایی برای اندیشیدن هستند.

اگر می‌خواهیم عالم را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است که پدیده‌ها را خوب تماشا کنیم، در باره‌ی آفرینش هر یک بیندیشیم و آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم؛ مثلاً کوه‌های سر به فلک کشیده را

بادرّه‌های عمیق، گل را با خار، زنبور عسل را با خرگس، بهار را با زمستان و...
مطالعه در طبیعت و تأمل درباره‌ی چیزهایی که هر روز می‌بینیم و از کنارشان می‌گذریم، راه
مناسبی برای شناخت آنها است. پرسش از هر چیز و جست‌وجو برای یافتن پاسخ، کاری
است که همه‌ی دانشمندان و عالمان انجام می‌دهند. من و شما هم، باید این ویژگی را در خود
پرورش دهیم.

ما برخی از رفتارها، کردارها و کارهای خودمان را از روی عادت انجام می‌دهیم؛ به
همین دلیل هم از خود نمی‌پرسیم که چرا این‌گونه است، چرا باید این کارها را بکنیم؟ و بسیار
پرسش‌های دیگر.

همین آب گوارایی که زندگی ما به آن وابسته است، بهترین موضوع برای فکر کردن و
یکی از شگفتی‌ها است.

آب چیست؟ چگونه به وجود آمده است؟ اگر روزی آب در روی زمین نباشد، آیا
انسان می‌تواند آن را پدید آورد؟

به هر حال، عالم تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش است؛ یعنی به هر طرف که نگاه می‌کنیم، آفریده‌های زیبای خداوند را می‌بینیم. این جهان، دفتری است که خدای مهربان، به پاکی و زیبایی در آن نگاشته و می‌نگارد.

یکی دیگر از این آفریده‌های زیبا و لطیف، گیاهان و سبزه‌ها هستند. علف‌های سبز را دیده‌اید؟ خیلی نرم و شکننده هستند. در سرمای سخت یا گرمای زیاد، پژمرده می‌شوند ولی گاهی می‌بینیم همین علف‌های نازک و لطیف، از میان سنگلاخ سرد می‌آورند یا کف زمین سخت و محکم را می‌شکافند و بیرون می‌آیند.

در نوشته‌ی زیر، یکی از نویسندگان، زیبایی‌های آفرینش خدای مهربان را، این گونه توصیف می‌کند:

«هیس، گوش بده! به آفریده‌های ساکت خدا گوش بده.

به پروانه‌ای با بال‌هایی مخملی. به قطره‌های باران که حلقه‌های ساکت روی آب را می‌سازند، گوش کن.

آیا می‌توانی صدای حشره‌هایی را که در زیرزمین می‌جنبند، بشنوی؟ صدای ماهی‌های تالاب را چطور؟

آن بالا را نگاه کن! آسمان، آبی آبی است و یک تکه ابر ساکت در آن شنا می‌کند. این پایین را ببین! علف‌ها و برگ‌ها در نسیم، فقط تکان می‌خورند.

نگاه کن... و به صداهای کوتاه و بلند، گوش بده، تا آفریده‌های ساکت خدا را بشناسی.
 بادها سفر می‌کنند. علف‌ها رشد می‌کنند. عنکبوت‌ها، بین زمین و آسمان، تار می‌تند.
 آیا تو صدای تاریکی شب را می‌شنوی؟ صدای روشنایی روز را چطور؟ صدای شب‌نم
صبحگاهی را، هنگامی که سرزده به خانگی برگ، وارد می‌شود؟
 به هر طرف نگاه کن... و گوش بده.
 آفریده‌های ساکت خدا همیشه آنجا هستند.
 آیا تو آنها را می‌بینی و صدایشان را می‌شنوی؟»

آفریده‌های ساکت خدا،

نانسی سویتلند، ترجمه‌ی حسین سیدی، با اندکی کاهش و تغییر

درست و نادرست

- ۱ دیدن شگفتی‌های عالم و تأمل درباره‌ی آنها راه مناسبی برای شناخت است.
- ۲ سبزه‌ها و علف‌ها به اندازه‌ای نرم و شکننده هستند که نمی‌توانند از میان سنگ‌لاخ سر در بیاورند.
- ۳ تاریکی شب، روشنایی روز و شب‌نم صبحگاهی همه از آفریده‌های ساکت خدا هستند.



درک مطلب



- یکی از راه‌های شناخت عالم را بیان کنید.
- چرا عالم «تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش» است؟
- چرا هر کدام از پدیده‌ها، «ایستگاهی برای اندیشیدن» هستند؟
- «این جهان دفترى است که خدای مهربان به پاکی و زیبایی در آن نگاهتته و می‌نگارد.» چرا نویسنده، پس از بیان واژه‌ی «نگاشتته» از «می‌نگارد» نیز استفاده کرده است؟
-

واژه‌آموزی



به واژه‌های زیر و رابطه‌های آنها با یکدیگر، توجه کنید.



با دقت به خوب و بدِ حرف‌های دوستم، گوش می‌کردم.

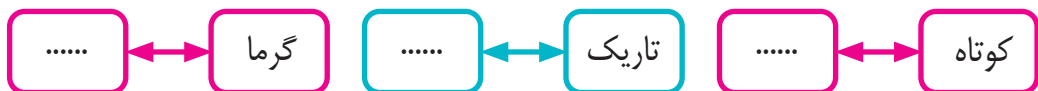
ما می‌توانیم گل را با خار مقایسه کنیم.

سنجاقک، بالا و پایین می‌پرید.

از معنی واژه‌ها، می‌فهمیم که این کلمات، مفهوم مخالف هم یا ضد هم را بیان می‌کنند. این گونه

واژه‌ها را «مخالف یا متضاد» می‌نامیم.

اکنون با توجه به آموخته‌های بالا، نمونه‌های زیر را کامل کنید.





۱ **دیدن:** تصویر را با دقت ببینید و به جزئیات آن توجه کنید.

۲ **اندیشیدن:** برای درک ارتباط اجزای تصویر، فکر کنید و مطالبی را که از تصویر برداشت کرده‌اید، در ذهن خود مرور کنید.

۳ **یافتن:** زمانی که ارتباط میان اجزای تصویر و مفاهیم آن را درک کردید، یک موضوع را انتخاب کنید.

۴ **گفتن:** هر وقت آماده شدید، روی صندلی معلم بنشینید و درباره‌ی موضوع انتخاب شده، برای دوستانتان صحبت کنید.

رقص باد، خنده‌ی گل

بخوان و حفظ کن



بادِ سرد، آرام بر صحرا گذشت

تک درخت نازون، شد رنگ رنگ

برگ برگ گل به رقص باد ریخت

چشمه کم کم خشک شد، بی آب شد

کرد دهقان، دانه‌ها در زیر خاک

فصل پاییز و زمستان می رود

سبزه زاران، رفته رفته، زرد گشت آمدن فصل پاییز

زرد شد آن چتر شاداب و قشنگ

رشته‌های بیدن از هم گسیخت سه از هم جدا شد

باغ و بوستان، ناگهان در خواب شد آمدن فصل پاییز

کرد کوته، شاخه‌ی پیمان تاک

بار دیگر، چون بهاران می شود آمدن فصل بهار

چشمه جوشد، آب می افتد به راه آمدن بهار
 سبز گردد، شاخساران کهن **جمع ساده**
 پُر کند بوی خوش گل، باغ را **نوع کهن (تضاد)**
 باز می سازد در اینجا **دوباره** **لاذنه برنده**
 آشیا **دوباره**

از زمین خشک، می روید گیاه
 برگ نو آرد، درخت نارون
 گل بخندد، بر سر گل بوته ها **جان بخشی**
 باز می آید پرستو، نغمه خوان **کنایه از شگفتی**
دوباره

پروین دولت آبادی

خوانش و فهم

۱ در بیت « گل بخندد، بر سر گل بوته ها پر کند بوی خوش گل، باغ را » منظور از

خنده ی گل چیست؟ **گل بشکفت**

۲ در بیت سوم دو واژه ی « برگ برگ » چگونه خوانده می شود؟